

## کثرت گرایبی ارزشی در حقوق مالکیت فکری

طیبه صاحب

استادیار دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده

اکثر نظریه پردازان حوزه حقوق مالکیت فکری، کوشیده اند مبنای نظری نظام حقوق مالکیت فکری را در چارچوب حفظ و حراست از یک ارزش خاص توجیه نمایند (وحدت گرایبی ارزشی). این در حالی است که مجموعه نظام حقوق مالکیت فکری به اعتبار تنوع مصادیق موضوعی آن و همچنین تفاوت باورها و ارزش های جوامع مجری آن، قابل فروکاستن به یک ارزش خاص نیست (کثرت گرایبی ارزشی).

با وجود این، اعتقاد به کثرت ارزش ها درون هر یک از مصادیق تحت شمول نظام حقوق مالکیت فکری، می تواند موجب بسط دامنه حمایت از حقوق مالکیت فکری و به تبع آن گسترش قلمرو انحصاری صاحبان حق شود. از این رو در این مقاله دیدگاه میانه ای اتخاذ شده است و در عین باور به کثرت گرایبی ارزشی، دامنه این دیدگاه درون هر یک از مصادیق نظام حقوق مالکیت فکری، محدود به حفظ تعادل و توازن میان منافع تولید کننده و مصرف کننده و عدم بسط دامنه حق انحصاری صاحبان حق شده است.

**کلید واژه:** وحدت گرایبی ارزشی، کثرت گرایبی ارزشی، ارزش برتر، اصول میانی، زمینه گرایبی، جهانی گرایبی.

## مقدمه:

مفاهیم مختلفی همچون عدالت، آزادی، استقلال، فایده (مطلوبیت) و حفظ حریم خصوصی، همگی از جمله ارزش‌هایی محسوب می‌شوند که نظام حقوقی و به طور خاص نظام حقوق مالکیت فکری در صدد پاسداشت آنهاست.

اما سوال اصلی آن است که آیا در توجیه مبنای نظری یک نظام، می‌توان میان این ارزش‌ها قایل به سلسله مراتب شد و اینگونه استدلال نمود که در یک رابطه و موقعیت خاص، تنها یک ارزش به عنوان ارزش برتر شناخته می‌شود و سایر ارزش‌ها فرع بر این ارزش هستند یا آنکه کلیه این ارزش‌ها به یک درجه دارای اعتبار هستند و درون آن نظام بسته به مصداق و موقعیت خاص، گاهی نقش برتر و گاهی نقش فرعی تر به خود می‌گیرند؟

تا کنون اکثر نظریه‌هایی که به عنوان مبنای نظام حقوق مالکیت فکری طرح شده‌اند، ارزش خاصی را به عنوان مبنای اصلی و در نتیجه غایت و رسالت اصلی نظام حقوق مالکیت فکری بیان کرده‌اند. در نتیجه اکثر نظریه‌های ارائه شده در این حوزه، وحدت‌گرا هستند.

در مقابل طرفداران کثرت‌گرایی ارزشی آقرار دارند. به عقیده این عده، نظام حقوق مالکیت فکری به اعتبار تنوع مصادیق و موضوعات تحت شمول این نظام و همچنین تنوع جوامع مجری آن، ارزش‌های متعددی را مد نظر دارد.

هر چند اعتقاد به نظریه کثرت‌گرایی ارزشی در مرحله نظریه‌پردازی چندان با مشکل جدی مواجه نیست اما دشواری این نظریه در مقام عمل و به هنگام انتخاب ارزش برتر در یک موقعیت خاص نمایان می‌شود. آنگاه که قانونگذار در مقام وضع قاعده و تعیین بایدها و نبایدهای یک نظام حقوقی و قضات در مقام قضاوت و تفسیر قانون، به ناچار در موقعیت تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند، چنانچه شاخصی برای انتخاب در دست نداشته باشند و ندانند که در یک موقعیت خاص قرار بر حمایت از چه ارزشی است، قادر به تصمیم‌گیری صحیح و منطقی نخواهند بود.

<sup>1</sup>Monism

<sup>2</sup>Value Pluralism

در این مقاله کوشش می‌شود پس از تبیین (۱) نظریه کثرت‌گرایی ارزشی و نظریه متقابل آن یعنی (۲) وحدت‌گرایی ارزشی، در نهایت (۳) دلایلی در تأیید کثرت‌گرایی ارزشی در حوزه حقوق مالکیت فکری ارائه شود. سپس با اعتقاد به کثرت‌گرایی ارزشی، راهکارهایی که به طور خاص در حوزه حقوق مالکیت فکری برای (۴) حل مشکل تعارض ارزش‌ها ارائه شده است و همچنین راهکارهای عمومی انتخاب از طریق (۵) تعیین شاخص‌های انتخاب، شاخصی برای انتخاب پیشنهاد شود.

### (۱) مفهوم کثرت‌گرایی

کثرت‌گرایی<sup>۳</sup> همانگونه که از نام آن بر می‌آید به معنای گرایش به سمت جریانی است که قایل به کثرت است. ولی این مفهوم به اعتبار آنچه موضوع کثرت واقع می‌شود، عناوین مختلفی به خود می‌گیرد. از این رو است که در ادبیات مرتبط، با عناوین مختلفی همچون کثرت‌گرایی سیاسی<sup>۴</sup>، کثرت‌گرایی فرهنگی<sup>۵</sup> و یا کثرت‌گرایی ارزشی<sup>۶</sup> مواجه می‌شویم.

آنچه عمده‌تاً از کثرت‌گرایی اخلاق و پس از آن در علم حقوق یاد می‌شود کثرت‌گرایی ارزشی است. با وجود این، کثرت‌گرایی محدود به تنوع ارزش‌ها در سطح مبنایی<sup>۷</sup> شود و در دیگر سطوح نیز کثرت‌گرایی به وجوه دیگری رخ می‌نماید. کثرت‌گرایی در اخلاق، بر حسب سطح به سه دسته، کثرت‌گرایی ارزشی (مبنایی)<sup>۸</sup>، کثرت‌گرایی هنجاری (قانونی) و کثرت‌گرایی تصمیم‌گیری (قضایی) تقسیم می‌شود.

#### (۱-۱) کثرت‌گرایی مبنایی

در زیر بنایی‌ترین سطح، کثرت‌گرایی مبنایی قرار دارد. کثرت‌گرایی مبنایی به این معناست که در سطح مبنا و پایه، ارزش واحدی وجود ندارد که بر اساس آن بتوان نسبت به خوب یا بد اعمال قضاوت کرد. بلکه در این سطح، ارزش‌های متعددی خودنمایی می‌کنند که همه بسته به موقعیت، می‌توانند معیار تشخیص خوب یا بد اعمال باشند. از همین رو به این نوع از کثرت‌گرایی، کثرت‌گرایی ارزشی نیز گفته می‌شود.

#### (۱-۲) کثرت‌گرایی هنجاری

3 Pluralism  
4 Political Pluralism  
5 Cultural Pluralism  
6 Value Pluralism  
7 Fundamental Pluralism  
8 Normative Pluralism  
9 Decision-making Pluralism

به این نوع کثرت گرایي، کثرت گرایي ترجیحی نیز گفته می‌شود. مقصود از آن تعدد و کثرت حامل‌ها و عوامل انتقال دهنده ارزش<sup>۱</sup> است. در حوزه حقوق، قانون یک حامل ارزش به شمار می‌رود. از این رو کثرت گرایي قانونی بۀ معنای تعدد قوانین حامل ارزش است و آنچه متعارض و غیر قابل جمع است، قانون و هنجار است و نه ارزش فی نفسه. به همین دلیل، ارزشی که قانون در صدد تحقق آن است می‌تواند واحد و یا متعدد باشد. در ادبیات حقوقی نیز کثرت گرایي قانونی را به معنای حاکمیت قوانین و هنجارهای مختلف بر یک موقعیت یکسان تعریف کرده‌اند. (مهدی شهابی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰)<sup>۲</sup> در این تعریف، علاوه بر قانون از عبارت هنجار نیز استفاده شده است. چرا که کثرت گرایي قانونی در معنای وسیع کلمه، هنجارهای غیر حکومتی که به شکل قانون در نیامده‌اند ولی دارای قدرت الزام آور برای یک جامعه و گروه خاص هستند را نیز در بر می‌گیرد.

از آنجا که در عنوان این اصطلاح از لفظ قانونی استفاده می‌شود اما در تبیین اجزای مفهوم به هنجارهای غیر حکومتی که قانون در معنای خاص کلمه نیستند نیز اشاره می‌شود، برخی پیشنهاد کرده‌اند به جای عبارت کثرت گرایي قانونی از واژه عام کثرت گرایي هنجاری<sup>۴</sup> یا کثرت گرایي تنظیمی<sup>۵</sup> استفاده شود. (Sandbery, Rusell 2015, p 250)

### ۳-۱) کثرت گرایي تصمیم‌گیری (قضایی)<sup>۶</sup>

مفهوم کثرت گرایي تصمیم‌گیری توسط اندیشمندان مکتب نتیجه‌گرایي<sup>۷</sup> ارائه شده است. در مکتب نتیجه‌گرایي یا فایده‌گرایي، نتیجه و فایده به عنوان معیار و محک خوبی ارائه شده است. به عقیده طرفداران این مکتب، هر چند نتیجه و مطلوبیت، معیار خوبی است اما منظور آن نیست که اشخاص باید قبل از هر تصمیم، کلیه نتایج و فواید موضوع را بسنجند و سپس اقدام کنند. بلکه اشخاص آزاد هستند هر تصمیمی که مفید بوده و منجر به موفقیت می‌شود را اتخاذ کنند. در نتیجه تصمیم‌های متفاوت می‌توانند منجر به حصول نتیجه و مطلوبیت شوند. در نتیجه آنچه در اینجا موضوع کثرت و تعدد واقع شده است، تصمیماتی است که منتج به تحقق ارزش می‌شوند. نظیر آنچه در کثرت گرایي هنجاری و یا قانونی گفته شد، این ارزش در سطح مبنا می‌تواند یکسان باشد یا متعدد.

1 Preference Pluralism	0
1 Value Transmitter	1
1 Legal Pluralism	2

<sup>۳</sup> نویسنده کثرت گرایي حقوقی را به دو دسته کثرت گرایي شکلی و کثرت گرایي ماهوی تقسیم می‌کند.

1 Normative Pluralism	4
1 Regulatory Pluralism	5
1 Decision-procedure Pluralism	6
1 Consequentialism	7

در عرصه حقوق می توان این سطح از کثرت گرایي را به کثرت گرایي قضایی تعبیر کرد. به این معنا که قضات در مرحله اخذ تصمیم آزاد باشند با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص حاکم بر قضیه، تصمیمی اتخاذ کنند که منتج به تحقق ارزش برتر باشد ولو آنکه این تصمیم ها متفاوت و متعارض با یکدیگر باشند. ذر نتیجه، چنانچه در یک موقعیت خاص با تصمیم های بعضاً متعارض مواجه شویم، مفهوم کثرت گرایي تصمیم گیری رخ می نماید. (Trakman, Leon, 2009)

به دلیل تمرکز موضوع این مقاله بر کثرت گرایي ارزشی، در ادامه (۱) ویژگی های مفهوم کثرت گرایي ارزشی و مفهوم مقابل آن یعنی (۲) وحدت گرایي ارزشی با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار می گیرد.

## (۲) ویژگی های کثرت گرایي ارزشی

برداشت اولیه از کثرت گرایي ارزشی به اعتبار نام آن، کثرت و تنوع ارزش هاست؛ ولی مفهوم کثرت گرایي به این برداشت لفظی از عنوان محدود نمی شود. مقصود از کثرت گرایي ارزشی، وجود ارزش های غیر قابل مقایسه، متعارض و غیر قابل جمع در یک وضعیت خاص است. هر چند این ارزش ها همگی فی نفسه دارای ارزش هستند، اما در عمل با یکدیگر تعارض دارند و امکان جمع آنان در آن واحد وجود ندارد. از این خصیصه تحت عنوان "غیر قابل جمع بودن" ارزش ها یاد می شود. علاوه بر این، این ارزش ها "غیر قابل مقایسه" نیز هستند. در نتیجه، انتخاب هر یک از این ارزش ها به معنی قربانی کردن دیگر ارزش هاست. از این رو هر چند از اجرای یک ارزش در یک موقعیت خاص، فوایدی حاصل می شود ولی قطعاً این انتخاب دارای مضار و آثار سوئی نیز هست. به این ترتیب دو رکن اصلی نظریه کثرت گرایي، (۱) تنوع ارزش ها و (۲) تعارض این ارزش ها و عدم امکان جمع آنها در آن واحد در یک موقعیت خاص است.

در مقابل دیدگاه کثرت گرایي ارزشی، نظریه وحدت گرایي ارزشی قرار دارد که در ادامه به آن می پردازیم.

<sup>1</sup> Judicial Pluralism

8

<sup>۱۹</sup>علاوه بر این تعریف، کثرت گرایي قضایی به معنی تعدد دادگاهها نیز تعبیر شده است. (Bessen, Samantha, 2014, p 107)

2 Incommensurability

0

2 Non-comparable

1

### ۳) وحدت‌گرایی ارزشی<sup>۲۲</sup>

به موجب نظریه وحدت‌گرایی ارزشی، حفظ یک ارزش خاص، هدف غایی اخلاق و به تبع آن نظام حقوقی است که به آن "ارزش برتر"<sup>۲۳</sup> گفته می‌شود و سایر ارزش‌ها قابل‌کاستن به این ارزش برتر هستند.

(Joel, Robbins, 2013, p 100)

کانت و میل معتقد بودند اخلاق نه تنها باید مبتنی بر یک ارزش نوعی باشد بلکه این ارزش باید تک و منفرد باشد. (Wood, Allen, 2008, p 59) به عنوان مثال در نظر کانت ارزش نهایی حرمت انسان است. در نظر

جان استوارت میل ارزش نهایی، سعادت و شادی<sup>۲۴</sup> است. در نظر جرمینتام ارزش نهایی لذت<sup>۲۵</sup> است

(O'Neill, John et al, 2008, pp 70-71) و در نظر ریچارد پوزنر<sup>۲۶</sup>، ارزش برتر، به حداکثر رساندن

ثروت جامعه<sup>۲۷</sup> است.

مهم‌ترین نظریه‌هایی که قایل به وحدت‌گرایی ارزشی در حوزه حقوق مالکیت و به تبع آن حقوق مالکیت فکری هستند عبارتند از نظریه کار- ارزش‌جان لاک<sup>۲۸</sup>؛ نظریه شخصیت هگل<sup>۲۹</sup>؛ نظریه فایده‌گرایی جان استوارت میل<sup>۳۰</sup> و جرمی بنتام<sup>۳۱</sup> و نظریه به حداکثر رساندن ثروت ریچارد پوزنر.

در نظریه کار- ارزش‌جان لاک، آنچه غایت و ارزش مورد پاسداشت حقوق مالکیت و به تبع آن حقوق مالکیت فکری معرفی شده است، استقلال و آزادی انسان است. انسان با افزودن کار خویش به هر یک از اجزای طبیعت از جمله به مخلوق ذهنی خود، ارزش آفریده و مالک آن می‌شود.

در نظریه شخصیت هگل که قایل به امتداد شخصیت پدیدآورنده در اثر مخلوق اوست، حفظ و احترام به شخصیت‌انسان به عنوان ارزش برتر و مبنای حق مالکیت معرفی شده است.

<sup>2</sup> Value Monism	2
<sup>2</sup> Super Value	3
<sup>2</sup> Human Dignity	4
<sup>2</sup> Happiness	5
<sup>2</sup> Pleasure	6
<sup>2</sup> Richard Posner	7
<sup>2</sup> Wealth Maximization	8

<sup>۲۹</sup> در سالهای اخیر، ریچارد پوزنر نظر خود را تعدیل کرده است. (Posner, Richard A. 1995, p 95)

<sup>3</sup> John Locke( 1632-1675) 0

<sup>3</sup> Georg Wilhelm Friedrich Hegel( 1770-1831)

<sup>3</sup> John Stuart Mill ( 1806-1873) 2

<sup>3</sup> Jeremy Bentham ( 1748-1832) 3

<sup>3</sup> Labor theory of Value 4

در نظریه فایده گرایی نیز سعادت، خوشی و مطلوبیت انسان و در نظریه ریچارد پوزنر، کارایی اقتصادی و افزایش سرجمع ثروت در جامعه، عامل موجهه ارزش برتر در حوزه حقوق مالکیت فکری معرفی شده است. Justin Hughes, 1988)

#### ۴) کثرت گرایی ارزشیدر مجموعه نظام حقوق مالکیت فکری

حقوق علم تنظیم روابط اشخاص است. هر کجا حقوق پا به میان می گذارد، منافعی در تقابل یکدیگر قرار گرفته اند و حقوق در صدد برقراری موازنه و ایجاد تعادل میان این منافع متعارض است. (محمدجعفر جعفریلنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۳۵)

روابط حاضر در نظام حقوق مالکیت فکری به دو دلیل (۱) تنوع مصادیق و (۲) تفاوت باورهای جوامع مجری، آنچنان متعدد است که نمی توان یک ارزش را در همه روابط به عنوان ارزش برتر، معرفی کرد.

#### ۴-۱) تنوع مصادیق

در ابتدا حقوق مالکیت فکری به دو زیر شاخه حقوق مالکیت صنعتی و حقوق ادبی و هنری تقسیم می شد. ولی رفته رفته مصادیق جدیدی به این حوزه افزوده شد که کاملاً منطبق با این دو تقسیم بندی سنتی نبود. امروزه، مصادیق تحت شمول حقوق مالکیت فکری متنوع هستند و دایره وسیعی از موضوعات را در بر می گیرد. این تنوع روز به روز در حال گسترش است و هر روز مصادیق جدید تری به نظام حقوق مالکیت فکری معرفی می شوند. از این رو نمی توان به سادگی گفت مبنای نظری حمایت از این موضوعات واحد است و کلیه مصادیق حقوق مالکیت فکری در صدد حمایت از یک ارزش خاص هستند و دیگر ارزش ها فرع بر آن ارزش برتر به شمار می روند.

به عنوان مثال، در حوزه حق اختراع، مطلوبیت و کارایی اقتصادی از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که کارکرد حقوقی و اجتماعی نظام حق اختراع، ایجاد انگیزه برای خلق نوآوری ها و اختراعات بیشتر است. در مقابل، در حوزه اسرار تجاری، حفظ حریم خصوصی اشخاص دارای ارزش بیشتری است. چرا که حقوق اسرار تجاری برای حمایت از منافع اشخاص خصوصی تنظیم شده است و هدف اصلی آن تشویق مطلوبیت و کارایی نیست. علاوه بر این نظام علامت تجاری بر خلاف نظام حق اختراع و یا حق ادبی و هنری که عمدتاً در راستای تأمین منافع خالق و ایجاد انگیزه نوآوری در او تدوین شده اند، بر پایه تأمین منافع مصرف کننده و جلوگیری از گمراهی مصرف کنندگان در بازار توجیه می شود.

#### ۴-۲) تفاوت باورهای جوامع مجری

علاوه بر تنوع ماهوی و ذاتی موضوعات تحت شمول حقوق مالکیت فکری، کشورها و مردمی که قصد اجرای حقوق مالکیت فکری را دارند نیز متنوع هستند. هر کشور و هر ملتی دارای ارزشها و باورهای خاص اخلاقی، فلسفی و مذهبی است.

به همین دلیل است که تا کنون در عرصه بین المللی، به ویژه در سازمان جهانی مالکیت فکری که در قیاس با سازمان جهانی تجارت، طرفین مذاکره کننده از دو قطب شمال و جنوب تا حدودی از آزادی عمل و قدرت چانه زنی برخوردار بوده اند، اتفاق نظر در خصوص قواعد ماهوی علی رغم تلاش های فراوان یا هنوز به انجام نرسیده است<sup>۳۵</sup> و یا آنکه توافق های حاصل شده محدود به مسائل شکلی بوده است.<sup>۳۶</sup>

به این ترتیب، ارزش برتر بسته به هر یک از حوزه های حقوق مالکیت فکری و جوامع مجری آن، متعدد و متنوع است. از این رو نمی توان با قاطعیت گفت حقوق مالکیت فکری، به طور عمده در صدد تحقق یک هدف خاص است. با ملاحظه مصادیق مختلف حقوق مالکیت فکری می توان گفت در این شاخه از حقوق تمامی این ارزش ها بسته به موقعیت خاص، نقش ارزش برتر را می گیرند. به نحوی که در یک رابطه خاص، یک ارزش، به عنوان ارزش برتر شناخته می شود، حال آنکه همان ارزش در رابطه خاص دیگر در درجه دو و یا چندم اهمیت قرار می گیرد. به این تلقی از مبنای حقوق، کثرت گرایی ارزشی گفته می شود.

طبق نظریه کثرت گرایی ارزشی، نمی توان این ارزش ها را رده بندی کرد و گفت کدام یک برتر از دیگری است. هر یک از این ارزش ها به یک درجه دارای اهمیت و اعتبار هستند و نمی توان گفت کدام یک در تمام موقعیت ها، ارزش برتر است.

## ۵) دامنه کثرت گرایی ارزشی

اعتقاد به کثرت گرایی ارزشی در مجموعه نظام حقوق مالکیت فکری، به ساختار داخلی هر یک از مصادیق این نظام نیز تسری یافته است و امروزه قواعد و آرای متفاوتی درون نظام حقوق مالکیت فکری تعریف و صادر شده اند که هر کدام بر مبنای نظری و تأمین ارزش خاصی استوار هستند.

به عنوان مثال، در تعیین محدوده حق مالکیت خالق اختراع، ارزش های مختلفی در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند. از یک سو، حفظ آزادی عمل و احترام به شخصیت خالق ایجاب می کند که حق انحصاری مذکور نظیر

<sup>۳۵</sup> مانند معاهده ماهوی حق اختراع (Substantive Patent Law Treaty) که به دلیل اختلاف نظرهای فراوان در سال ۲۰۰۶، مسکوت ماند.

[http://www.wipo.int/patent-law/en/draft\\_splt.htm](http://www.wipo.int/patent-law/en/draft_splt.htm)

<sup>۳۶</sup> مانند معاهده علامت تجاری (Trademark Law Treaty) (1994) و یا معاهده ثبت اختراع (Patent Law Treaty) (2000).



آنچه در حق مالکیت سنتی مرسوم و متداول است، دائمی و مطلق باشد. حال آنکه در حوزه ثبت اختراع در موضوعی همچون ثبت روش‌های تشخیص بیماری‌ها ارزش دیگری یعنی حفظ حیات انسان خودنمایی می‌کند که در تقابل جدی با ارزش اول قرار می‌گیرد. (David B. Resnik, 2003, p 331) ارزشی که در اینجا برتر از ارزش حفظ حرمت عمل انسان است شناخته می‌شود و از این رو، روش‌های تشخیص و درمان بیماری، از دایره موضوعات قابل ثبت خارج می‌شود. و یا در تعیین شخص ذی حق که صاحب حق مالکیت و اعتبار حق اختراع شناخته می‌شود، عدالت مبنای کار است. همچنین پیش‌بینی حق معنوی و شناسایی حق انتساب اثر به خالق آن با هدف حفظ شخصیت و حرمت عمل انسان به عنوان ارزش برتر در این موقعیت خاص، انجام گرفته است (David, Rensik, 2003, P 331).

در حوزه علامت تجاری نیز بحث‌های متعددی در خصوص ارزش یا ارزش‌های قابل پاسداشت در سطح رویه قضایی دادگاه عدالت اروپایی<sup>۳۷</sup> و دانشگاهی مطرح است. یکی از زمینه‌های طرح این بحث، موضوع تبلیغات کلید واژه است. امروزه موتورهای جستجوگر همچون گوگل این امکان را فراهم کرده‌اند که شرکت‌های تجاری با هدف تبلیغ محصولات و خدمات خود در این موتورهای جستجوگر، کلید واژه‌هایی را تعیین کنند که به محض جستجوی این واژه توسط کاربران، محصولات و خدمات آن شرکت، به عنوان تبلیغ در ابتدای صفحه نمایش نتایج جستجو نمایش داده شود. این شرکت‌ها گاهی اوقات علامت تجاری سایر شرکت‌ها را به عنوان کلید واژه خود انتخاب می‌کنند که همین امر موجب طرح دعوی متعدد در دادگاه عدالت اروپایی شده است. علی‌رغم اینکه با دفاعیات انجام شده در این دادگاه، بعضاً این نوع تبلیغ مانع گمراهی مصرف‌کننده شناخته نشده است، اما دادگاه عدالت با استناد به مبانی دیگری همچون حمایت از سرمایه‌گذاری شرکت صاحب علامت و نقش علامت در تبلیغ محصولات ساخت آن شرکت، حکم به بی‌حقی شرکت‌های استفاده‌کننده از علامت داده است.

(Maciej Zejda, 2016, p 20)

صدور این آراء انتقادهای متعددی را بر مبنای ملاحظات حقوق رقابت و حق آزادی بیان به دنبال داشته است.

نویسنده اعتقاد دارد، علی‌رغم اینکه کثرت‌گرایی ارزشی نسبت به مجموعه نظام حقوق مالکیت فکری به عنوان یک کل، به دلیل تنوع مصادیق و تفاوت باورهای جوامع مجری قابل توجیه است اما این رویکرد درون هر یک از مصادیق تحت شمول تا جایی مجاز است که موجب بسط حقوق انحصاری مالک نگردد.

<sup>3</sup> European Justice Court 7

<sup>3</sup> Keyword advertising 8

## ۶) انتخاب ارزش برتر

هر چند به اعتقاد قایلین به دیدگاه کثرت گرایی، ارزشهای مختلف چون عدالت، تساوی و آزادی همگی حقیقتاً دارای ارزش هستند، اما مشکل اینجاست که نمیتوان تمام این ارزشها را در آن واحد در یک قضیه و موضوع خاص پیاده کرد. علاوه بر این نمی توان تمام این ارزشها را با یک مقیاس و معیار واحد سنجید و در نتیجه آنها را بر اساس میزان انطباق با آن شاخص رتبه بندی کرد.

در نتیجه عدم امکان ترجیح و برتری هریک از این ارزشها بردیگری مشکل اساسی است که در بحث کثرت گرایی ارزشی مطرح میشود و همین امر مانع از ورود حقوق دانان و صاحب نظران به این حوزه است. چراکه علیرغم پذیرش مطرح بودن ارزشهای متعدد درون نظام حقوقی به ویژه نظام حقوق مالکیت فکری، زمانیکه موعد اجرای این نظریه در عمل فرامی رسد دشواریهای آن نمود پیدا میکند و پرسش اصلی مطرح میشود که در این موقعیت خاص کدام ارزش را باید بردیگری ترجیح داد؟

برای حل این مساله مواضع مختلفی اتخاذ شده است. فیلسوفان سیاسی عمدتاً سعی کرده اند شاخص های مختلفی در دسترس شخص در معرض انتخاب قرار دهند. اخیراً در حوزه حقوق مالکیت فکری، نویسنده به نام این حوزه با نام رابرت مرجر<sup>۳</sup> گوشیده است مشکل کثرت گرایی ارزشی و مبنایی را از طریق جایگزینی اصول حقوقی مبنایی با ارزش های متعارض مبنایی حل و فصل کند.

در ادامه (۱) شاخص های تصمیم گیری مطرح شده توسط فیلسوفان سیاسی و (۲) نظریه جانشینی اصول حقوقی رابرت مرجر بررسی می شود.

### ۱-۵) شاخص های انتخاب ارزش برتر

در خصوص نحوه انتخاب ارزش برتر در یک موقعیت خاص، سه دیدگاه عمده در ادبیات فلسفه سیاسی مطرح شده است:

(۱) دیدگاه شخصی گرایی<sup>۴</sup> دیدگاه زمینه گرا<sup>۳</sup> و دیدگاه جهان گرا<sup>۲</sup>

<sup>3</sup> Robert Merger	9
<sup>4</sup> Subjectivist	0
<sup>4</sup> Conceptualism	1
<sup>4</sup> Universalism	2

### ۱-۱-۵) شخصی‌گرایی

به موجب این دیدگاه، ارزش‌های متعارض همگی در عرض یکدیگر قرار دارند و هیچ دلیل منطقی برای برتری یک ارزش بر دیگری وجود ندارد. از این رو زمانی که در عمل، لحظه انتخاب فرا می‌رسد و شخص ناگزیر از انتخاب یکی از ارزش‌ها می‌شود، این انتخاب دلخواهانه، شخصی و بدون هیچ دلیل و استدلال عقلی انجام می‌شود. در نتیجه در پس این انتخاب هیچ دلیل منطقی وجود ندارد.

### ۲-۱-۵) زمینه‌گرایی (خاص‌گرایی) ۴۳

به موجب این دیدگاه که به آن دیدگاه خاص‌گرا یا محافظه‌گرانه<sup>۴۴</sup> نیز گفته می‌شود، هر چند ارزش‌های متعارض همگی در عرض هم هستند و در حالت کلی و در عالم مجردات هیچ ترتیب منطقی بین آنها وجود ندارد، اما در عمل در یک زمینه خاص می‌توان با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و شرایط خاص حاکم بر آن قضیه، دست کم ارزش برتر را در آن موضوع خاص تشخیص داد.

از این رو به موجب این دیدگاه، انتخاب ارزش برتر در یک زمینه خاص، با استدلال منطقی و با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر آن قضیه امکانپذیر است.

این نظر منطبق با استدلال عملی<sup>۴۵</sup> آرسطو است. (Alexander, Gregory S., 2011, p 452) انتخاب ارزش برتر با در نظر گرفتن ملاحظات عملی، حقایق موجود در قضیه و با در نظر گرفتن جمیع جوانب انجام می‌شود و از این رو وابسته به متن و زمینه انتخاب است.

### ۳-۱-۵) جهانی‌گرایی

به موجب این دیدگاه، هر چند ارزش‌های متعارض به طور کلی همگی دارای ارزش برابر هستند، اما در عالم هستی، اصولی وجود دارند که دارای دامنه جهانی هستند. این اصول می‌توانند به هنگام تحیر به مدد شخص در معرض انتخاب آیند و برای انتخاب ارزش برتر یاریگر او باشند.

در حوزه حقوق نیز می‌توان گفت اصول حقوقی و معیارها و استانداردهای مقرر در اسناد بین‌المللی می‌توانند به عنوان خط مشی کلی جامعه جهانی در انتخاب ارزش به کار آیند.

### ۲-۵) جایگزینی اصول حقوقی میان با ارزش‌ها

<sup>4</sup> Particularism 3  
<sup>4</sup> conservative 4  
<sup>4</sup> Practical Reasoning 5

## ۱-۲-۵) طرح دیدگاه

رابرت مرجر اخیراً در کتابی که تحت عنوان "توجیه مالکیت فکری" به رشته تحریر در آورده است معتقد است "اصول حقوقی میانی"<sup>۴۶</sup> که وی از طریق استقرا در قوانین و رویه جاری حقوق مالکیت فکری به دست آورده است، توجیه کننده نظام حقوق مالکیت فکری است. (Merges, Robert P, 2011, p 141)

وی معتقد است اصول حاکم بر حقوق مالکیت فکری در دو سطح مبنا و سطح میانی قابل طرح هستند. اصول حقوقی حاکم در سطح مبنا نظریه های مشهور نظیر جان لاک، امانوئل کانت و<sup>۴۷</sup> جان راولز<sup>۴۸</sup> است که در توجیه مبناي حقوق مالکیت فکری مطرح شده اند. (Merger, Robert, 2011, . pp 32-136)

مرجر با استناد به قواعد حقوقی مالکیت فکری و رویه های عملی این حوزه Merges, Robert P, 2011, p (139)، اصول حقوقی پیشنهاد می دهد که در سطح میانی و سطحی پایین تر از مبنا، راهنمای عمل و سیاستگذاری حقوق مالکیت فکری هستند. اعتقاد وی تصمیم های درون نهاد مالکیت فکری با توجه به این اصول اخذ شده اند بی آنکه توجه و ارجاع مستقیمی به ارزش هایی مبنايي شده باشد. به این ترتیب دکترین مالکیت فکری، نتایج پرورنده ها و قوانین برگرفته از این اصول میانی هستند. به این دلیل که این اصول فارغ از مباحث مبنايي و برگرفته از واقعیت های موجود حقوق مالکیت فکری و ملاحظات عملی هستند، دچار تقابل و تعارض از نوع تقابل ارزش ها در مرحله مبنا نیستند. از این رو ناسازگاری با یکدیگر ندارند. همچنین مستقل از ارزش های مبنايي حقوق مالکیت فکری هستند. (Merges, Robert P, 2011, p 140) علاوه بر این احتمال دارد این اصول با چندین ارزش مبنايي همپوشانی داشته باشد.

مرجر معتقد است به مدد این اصول میانی می توان نظام حقوق مالکیت فکری را پیش بینی کرد، توضیح داد، نظامند کرد و توجیه نمود. (Merges, Robert P, 2011, p 140-143)

مرجر معتقد است مباحث و ارزش های مبنايي به ندرت اثر مستقیم در عملکرد روزانه مالکیت فکری دارند و قضات به هنگام عمل کمتر به ارزش های مبنايي برای صدور رأی توجه دارند. او معتقد است برای حل اختلافات مالکیت فکری نباید به مبنا توجه کرد. بلکه برای حل اختلافات اصول میانی پیشنهادی وی راهگشا هستند.

4 Mid-level Principles 6  
4 Immanuel Kant( 1724-1804) 7  
4 John Rawls (1921-2002) 8

اصول میان‌ی یک اجماع همپوشان میان مبانی نظری مختلف مالکیت فکری ایجاد می‌کند. *Merges, Robert* (P, 2011, p 141) این تلقی او منطبق با نظریه استدلال منطقی و معقول‌نجان راولز است. به عقیده جان راولز هر چند کثرت باورها و ارزش‌ها نشانه یک جامعه متمدن و دمکراتیک است اما آنچه تحت عنوان قانون نوشته می‌شود، تلقی اکثریت معقول جامعه است.

مرجر نیز معتقد است هر چند ارزش‌های مختلفی در مرحله مبنا حاضر هستند اما اصول حقوقی میان‌ی، تلقی جامعه معقول است که از دل احکام و آراء حقوقی بر آمده است.

این اصول عبارتند از عدم رفع از قلمرو اموال عمومی<sup>۵۱</sup>؛ اصل نسبیت<sup>۵۲</sup>؛ اصل کارایی<sup>۵۳</sup> و اصل بزرگی<sup>۵۴</sup>؛ *Merges, Robert P, 2011, p 139*

و باینصورت با عنوان ابزارهای سیاست‌گذار در حوزه حقوق مالکیت فکری معرفی می‌کند و معتقد است قضاوت به هنگام رفع اختلافات مالکیت فکری باید به استناد این چهار اصل اقدام کنند. به عنوان مثال به استناد اصل نسبیت که مقرر می‌دارد میزان حمایت باید متناسب با ارزش و اهمیت مخلوق فکری باشد، وی معتقد است به هنگام صدور دستور موقت باید تناسب حکم با ارزش اختراع در نظر گرفته شود و بر مبنای آن قاضی نسبت به قبول یا رد دستور موقت اقدام کند. (*Merges, Robert P, 2011, p151*)

مرجر در توجیه نظر خود به آراء و تصمیمات متعددی اشاره می‌کند که بر پایه این اصول صادر شده‌اند. به این ترتیب مرجر از تحلیل توصیفی به تحلیل هنجاری می‌رسد و معتقد است چون در عمل اینگونه "هست"، پس اینگونه نیز "باید" باشد.

او معتقد است تصمیماتی که به این ترتیب با استناد به اصول حقوقی میان‌ی اتخاذ می‌شوند بعضاً با چندین اصل مبنایی همپوشانی پیدا می‌کنند. به این معنا که هر یک از این اصول در عمل منطبق با چند اصل مبنایی است. همین توجیه، خود یکی از نشانه‌های تعلق مرجر به مکتب کثرت‌گرای مبنایی است. *Merges, Robert P, (2011, p 10)* چرا که وی با این استدلال می‌پذیرد که در عمل، ارزش‌های مبنایی متعددی به یک درجه از ارزش و اعتبار در نظام حقوق مالکیت فکری حاکم هستند.

4 overlapping consensus	9
5 public reason	0
5 Non-Removal	1
5 Proportionality	2
5 Efficiency	3
5 Dignity	4

## ۲-۲-۵) نقد نظریه

کارکرد چهارم اصول حقوقی یعنی امکان توجیه حقوق مالکیت فکری بر مبنای اصول میانیمورد مخالفت برخی نویسندگان واقع شده است. یکی از مخالفان نظریه مرجع معتقد است، همپوشانی این اصول با ارزش‌های مبنایی نمی‌تواند نقش بزرگ عامل موجهه را به این اصول دهد. علاوه بر این نویسنده با تحلیل آرای که مستمسک مرجع در استخراج این اصول میانی بوده اند، ثابت می‌کند تصمیمات اخذ شده هر چند قابل انطباق با یکی از این اصول هستند اما در عمل این اصول نیز با یکدیگر متعارض هستند و چه بسا در همان قضیه خاص، به استناد اصل دیگری، رأی خلاف رأی اولیه باید صادر شود. به این ترتیب نویسنده معتقد است بر خلاف ادعای مرجع، این اصول نیز دچار تعارض و تقابل ارزش‌ها هستند و به نوعی با مفهوم کثرت‌گرایی اصول حقوقی مواجه هستیم. (David H. Blankfein-Tabachnick, 2013, p 1002)

علاوه بر این با مذاقه در دیدگاه مرجع می‌توان او را کثرت‌گرایی دانست که برای حل معضل انتخاب متوسل به ابزارهای فراگیر و جهانی همچون اصول حقوقی شده است. به همین منظور رابرت مرجع با استقرا در قوانین و رویه قضایی، اصول حقوقی را به عنوان اصول راهنما و شاخص تصمیم‌گیری قضات استخراج کرده است.

اما روش وی در استخراج اصول، نافی این حقیقت نمی‌شود که اصول حقوقی در واقع و در ذات، بیانگر ارزش‌های یک نظام هستند. به قول رونالد دوکین، اصول حقوقی، حد واسط ارزش‌ها و قواعد حقوقی هستند. Hans (Gribnau, 2013, p 79)

اصول حقوقی به همراه قواعد حقوقی هر دو حامل‌های ارزش هستند و هر دو در مرحله پایین‌تری از مبنا قرار دارند. با این تفاوت که اصول حقوقی به هنگام تحیر و سرگردانی و به قول دورکین در پرونده‌های سخت<sup>۵</sup> یاری قاضی می‌آیند. حال آنکه قواعد حقوقی که بازتابی از اصول حقوقی و ارزش‌های مبنایی هستند، ساخته دولت و حکومت هستند. David Dyzenhaus (2010, p 26) در نتیجه، اصول حقوقی صرفاً می‌تواند به عنوان ابزاری برای انتخاب ارزش برتر به کار قاضی آید و نمی‌تواند تماماً جایگزین ارزش‌های مبنایی نظام حقوق مالکیت فکری شود.

**نتیجه و پیشنهاد:**

<sup>5</sup> Hard case

به دلیل شفافیت قواعد حقوقی و قابلیت پیش بینی آن توصیه می شود در هر حوزه از نظام حقوق مالکیت فکری ارزش برتر در آن حوزه تبدیل به یک قاعده حقوقی شود تا به این ترتیب ابزارهای دقیقی در اختیار مجریان قانون از جمله قضات قراردادده شود. در نتیجه در عین حال که تنوع ارزشها در نظام حقوق مالکیت فکری پاس داشته می شود، قانون خصیصه قابلیت پیش بینی خود را حفظ می کند.

به این منظور، به ناگزیر باید در مرحله قانونگذاری نیز دست به انتخاب زد. رویکردهای زمینه گرا و جهانی گرا به دلیل اینکه منطقی در پس خود دارند، جذاب تر از رویکرد اول هستند که در آن به صراحت به بی قاعده بودن انتخاب اشاره شده است.

از این رودر راستای تئوری شخص معقول و متعارف که شاخص و الگوی برخی قضاوت ها در علم حقوق است، در اینجا نیز با ابزار عقل و منطق و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص حاکم بر قضیه و همچنین توجه به اصول حقوقی و رویکردهای بین المللی ناظر به یک موضوع خاص باید نسبت به انتخاب ارزش برتر در هر حوزه اقدام کرد.

### منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر: "فلسفه عمومی حقوق، برپایه اصالت عمل، (تئوریموازنه)"، تهران، گنج دانش، چاپ اول ۱۳۸۱.
۲. شهابی، مهدی: "کثرت گرایی حقوقی؛ تأملی در چیستی مبنای التزام آوری قاعده حقوقی و متغیرهای تحول نظام حقوقی"، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۴.

3. Bessen, Samantha: "European Human Rights Pluralism, Notion and Justification" in: Transnational Law Rethinking European Law and Legal Thinking, Cambridge University Press, 2014
4. Blankfein-Tabachnick, David H.: "Does Intellectual Property Law Have Foundations? A Review of Robert Merges's Justifying Intellectual Property", 45 Conn. L. Rev. 995 (2013), p 1002.

5. Deborah E. Bouchoux, Esq.:” **Intellectual property: The Law of Trademarks, Copyrights, Patents and Trade Secrets**”, Delmar Cengage Learning , 2013
6. Duzenhaus, David:”**Hard Cases in Wicked Legal Systems: Pathologies of Legality**”, Oxford Publishing, 2010.
7. Gregory S. Alexander, "**Pluralism and Property**" (2011). Cornell Law Faculty Publications. Paper 452.  
<http://scholarship.law.cornell.edu/facpub/452>
8. Gribnau, Hans, "**Legal Certainty: A Matter of Principle**"(January 8, 2013). Retroactivity of Tax Legislation, May 2013; Tilburg Law School Research Paper No. 12/2014. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2447386>
9. Joel , Robbins:” **Monism, pluralism, and the structure of value relations, A Dumontian contribution to the contemporary study of value**”, HAU: Journal of Ethnographic Theory 3 (1), 2013
10. Justin Hughes:” **The Philosophy of Intellectual Property**”, Georgetown University Law Center and Georgetown Law Journal, 77 Geo. L.J. 287, December, 1988
11. MaciejZejda, “**Trademark Licensing in Keyword Advertising**”, 7 (2016) JIPITEC 18, para 1.
12. Merges, Robert P:” **Justifying intellectual property**”, Harvard University Press, 2011.
13. O’Neill, John, Alan Holland and Andrew Light:”**Environmental Values**”, Rutledge, 2008.
14. Posner, Richard A., ‘**Wealth Maximization and Tort Law: A Philosophical Inquiry**’, in David G. Owen (ed.), Philosophical Foundations of Tort Law (Oxford, 1995)
15. Resnik, David B.: “**A Pluralistic Account of Intellectual Property**”, Journal of Business Ethics 46: 319–335, 2003.
16. Sandbery, Russell:” **Religion and Legal Pluralism** “, Ashgate Publishing Limited, England and USA, 2015
17. Trakman, Leon :” **Pluralism in Contract Law**”, Buffalo law review 58(5) · August 2009.
18. Wood, Allen, W:” **Kantian Ethics**”, Cambridge University Press, 2008



## **Value Pluralism of Intellectual Property law**

**TayebeSaheb**

**Assistant Prof. TarbiatModares University**

### **Abstract:**

Most theorists of IP law have attempted to justify intellectual property rights in preserving one particular value as a super value.

However due to the diversity of the subject matters of IP law, as well as differences in beliefs and values of the host societies, it is hard to reduce IP law system to one specific value.

Therefore it is necessary to find super value case by case and articulate any area of IP law in accordance with that Super value. Judges are also required to interpret the law on the protection of that specific superior value.

In this paper, after explaining the concept of pluralism of values and value monism, we argue in support of pluralism of value in the field of intellectual property rights and two criteria will be provided for choosing super value in each case.

**Keywords:** Value Monism, Value Pluralism, Super value, midlevel principles, conceptualism, universalism

## **Value Pluralism of Intellectual Property law**

**Tayebe Saheb**

**Assistant Prof. Tarbiat Modares University**

**Abstract:**

Most theorists of IP law have attempted to justify intellectual property rights in preserving one particular value as a super value.

However due to the diversity of the subject matters of IP law, as well as differences in beliefs and values of the host societies, it is hard to reduce IP law system to one specific value.

Therefore it is necessary to find super value case by case and articulate any area of IP law in accordance with that Super value. Judges are also required to interpret the law on the protection of that specific superior value.

In this paper, after explaining the concept of pluralism of values and value monism, we argue in support of pluralism of value in the field of intellectual property rights and two criteria will be provided for choosing super value in each case.

**Keywords:** Value Monism, Value Pluralism, Super value, midlevel principles, conceptualism, universalism